

آغاز و پایان

نگاهی به فراز و فرود فرقه‌ی دموکرات آذربایجان

پس از سال ۱۳۲۰ به موازات جنگ جهانی دوم و ورود ارتش سرخ به مناطق شمالی ایران شرایط سیاسی کشور به کل تغییر یافت. گروهی معروف به دسته ۵۳ نفره و ۹ نفره که چند سال قبل دستگیر شده بودند در سوم شهریور ۱۳۲۰ آزاد شدند. چندی بعد ۲۷ نفر از آن گروه ۵۳ نفره در منزل آقای ایرج اسکندری گرد آمده حزب توده به رهبری اسکندری را بنیان می گذارند. بنابه مجله جوان (تهران ۱۳۵۷/۸/۲۶ ص ۱۹) آقای پیشه وری که یکی از دستگیر شدگان گروه ۹ نفره بود یکی از اعضای اولین هیئت رهبری ۱۸ نفری حزب توده بود در حالی که آبراهامیان در کتاب خود اعضای نخستین گروه کادر رهبری توده را ۱۵ نفر ذکر می کند و از پیشه وری جزو آن عده یاد نمی برد و همچنین سایر منابع نیز فعالیت سیاسی پیشه وری را در خارج از حزب تأیید می کند. در هر حال آقای سید جعفر پیشه وری با افکار پان فارسیستی رهبران حزب توده و بخصوص آقای ارانی، بنیانگذار اصلی حزب و رهبر گروه ۵۳ نفره، که خود آذربایجانی بزرگ شده پایتخت بود آشنائی قبلی داشت. پیشه وری بشدت استدلال فکری رهبران حزب را در روزنامه آژیر که پس از خلاصی از حبس به نشر آن در تهران مشغول بود انتقاد می کرد. ایشان بر این باور بود که نه دولت و نه احزاب سیاسی بخصوص حزب توده علاقه چندانی به مشکلات اقلیت‌های زبانی و منطقه ای ندارند. لذا به مشورت چند آشنا از تهران به تبریز می رود و در سال ۱۳۲۳ به نمایندگی برای دوره ۱۴ مجلس شورای ملی کاندید می شود. ایشان با اینکه با بیشترین آرا انتخاب شدند سایر نمایندگان مجلس با رد اعتبارنامه اش وی را از نمایندگی مجلس محروم ساختند. پیشه وری با این باور که جنبش کمونیستی ایران، بخصوص حزب توده نمی تواند سخنگوی راستین منافع ملت آذربایجان باشند همواره در پی همفکران جدید در تلاش بود. روز دوشنبه دوازدهم ۱۳۲۴ با دو تن از دوستان خود دکتر جاوید و آقای کاویان اعلام تشکیل سازمان جدیدی بنام فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز می کند و در نخستین بیانیه خود اعلام می کنند که فرقه طرفدار باقی ماندن آذربایجان تحت حاکمیت ایران هست، اما خواستار استفاده زبان آذربایجانی در کنار زبان فارسی در مدارس و ادارات دولتی در آذربایجان - صرف درآمدهای مالیاتی محلی برای رشد و توسعه خود منطقه تشکیل انجمنهای ایالتی مقرر در قانون اساسی ایران در ۱۴ شهریور با پیوستن شبستری به فرقه دموکرات نشریه "انجمن آذربایجان" ارگان رسمی فرقه می شود و در ۱۶ شهریور تعداد کثیری از اعضای کمیته مرکزی محلی حزب توده و شورای متحده به فرقه دموکرات می پیوندند. چند روز بعد در اواسط مهر ماه نخستین کنگره فرقه در تبریز برگزار می شود و شرکت کنندگان خواهان حق تعیین سرنوشت آذربایجان بوسیله مجالس ایالتی و ولایتی و همین طور ایجاد سازمان نظامی از داوطلبان مسلح جهت حفظ حقوق آذربایجانیها در صورت عدم پاسخ مطلوب از طرف دولت مرکزی به مطالباتشان می شوند. بدنبال آن فدائیان آذربایجان با دستیابی به سلاحهای سبک از ارتش سرخ، بدون خونریزی به تصرف شهرهای آذربایجان یکی پس از دیگری آغاز می کنند. کنگره ملی آذربایجان ۲۶ آبان افتتاح گردید و پس از آن بیانیه خود مختاری (حکومت محلی) اعلام شد. بار دیگر مجلس ملی آذربایجان در ۲۱ آذر تشکیل شد و با اصرار در جدا نشدن آذربایجان از ایران یک دولت محلی به رهبری آقای پیشه وری و بدون وزارت خارجه انتخاب شد. قابل توجه این بود که هیچکدام از وزرا رابطه ای با حزب توده که مستقیم از طرف استالین حمایت می شد نداشتند. همان طوری که کنسول انگلیس نیز بیان می کنند بر خلاف افکار رایج در میان اشخاص ضد فرقه بنظر می رسد که مسکو چاره ای جز حمایت محدود از نهضت فرقه نداشت و برای کنترل کردن آن حتی تعداد زیادی از توده ایها را به پیوستن به فرقه تشویق می کند. در عرض حکومت یکساله، فرقه موفق به اصلاحات گسترده ای در آذربایجان شد. اصلاحات فرقه چنان گسترده بود که حتی مخالفانشان قبول کردند که خدمات یک ساله فرقه بیش از کارهای دوران بیست ساله رضاشاه بود با مطالعه تاریخ معاصر بوضوح در می یابیم که با آن همه اصلاحات، همچنان فرقه در صحنه سیاست ضعیف باقی ماند و با حکومت مرکزی، چپ گرایان تهران و دولت شوروی همواره در بحث و جدال بسر می برد. چپ گرایان پایتخت با دو دلی به حکومت خود مختار پیشه وری می نگرستند. از طرفی حزب توده اصلاحات فرقه را آشکارا در ارگانهای رسمی خود می ستود و از سوی دیگر خواستار جنبش کارگری در کل ایران بودند و از فرقه می خواستند به جبهه تازه تاسیس شده احزاب مترقی پیوندند. در کنار درگیری با آشوبهای قبیله ای و اصلاحات ارضی، بدی آب و هوا به ویژه طغیانها و بارشهای دیر هنگام باعث برداشت ضعیف محصول غلات در تابستان ۱۳۲۵ گردید که موجب نگرانی مردم در کمبود مواد غذایی شد. حکومت خودمختار فرقه غافل از سیاستهای پشت صحنه ابرقدرتها و سازش تهران با مسکو درگیر حل این مشکلات بود تا اینکه ۱۹ آذر ماه ارتش شاه بدون ممانعت روسها عازم تبریز شد. واکنش رهبران فرقه به دو نوع بود. گروهی به رهبری جاوید و شبستری معتقد بودند که ایستادگی در مقابل ارتش شاه مجهز به سلاح سنگین و تانک تنها موجب کشته شدن فدائیان مجهز به سلاح سبک خواهد بود. درحالی که گروه دیگر (اکثریت) به رهبری آقایان پیشه وری و بی ریا اعتقاد به مقاومت و ادامه مبارزه بصورت چریکی در آینده داشتند. پس از یک بحث طولانی و با مداخله کنسول شوروی پیشنهاد جاوید و شبستری غالب می آید و فوراً فرمان آتش بس داده شد. بدین ترتیب ارتش بدون ممانعت به طرف تبریز پیشروی کرد و ۲۱ آذر ماه وارد شهر شد. در چند روز بعدی نزدیک به ۵۰۰ نفر از فرقه به انواع گوناگون جان خود را باختند. جاوید و شبستری در تهران مورد عفو شاه قرار گرفتند ولی پیشه وری و بی ریا همراه با ۱۲۰۰ نفر به شوروی گریختند. شاعر بی ریا و عضو سابق حزب توده بخاطر تمایل برگشت به ایران به ۱۰ سال حبس محکوم شد و پیشه وری دو سال بعد در یک تصادف ساختگی مشکوک جان باخت. طبق بعضی منابع از جمله کتاب "من متهم می کنم" نوشته کشاورز عضو کمیته مرکزی حزب توده و نامه بی ریا به مقامات عالی رتبه شوروی مرگ پیشه وری نقشه از قبل طرح ریزی شده بود. دو روز قبل از حادثه راننده پیشه وری در موقع سانحه، کارنیک ملکیان، برای به راه انداختن نقشه با یک تلگراف فوری از پروان آورده می شود. راننده با مهارت کامل به سمت راست اتومبیل که پیشه وری نشسته بود صدمه وارد می آورد. در پایان باید گفت که بر خلاف تبلیغات مغرضانه، حکومت خودمختار فرقه آذربایجان و حرکت مشروع مردمی آن آفریده مسکو و خواستار تجزیه ایران نبود. برعکس، استالین بخاطر نگرانی از رشد نهضت ناسیونالیستی در آذربایجان و تمایل آن به روابط دوستانه و همکاری با ترکیه مجبور به حمایت، کنترل و فروپاشیدن به موقع آن بود. با آنکه مطالبات بالحق آذربایجانیها قربانی سیاستهای جهانی شد می توان ادعا کرد که اصلاحات گسترده یک سال فرقه در آذربایجان محرک اصلاحات بعدی در ایران بود.

منبع: سایت شمس تبریز

پی نوشت: چالش مقالات ارائه شده را الزاماً منطبق بر دیدگاههای خود نمی دانند و تنها با دید زورنالیستی به مسائل می نگرند از این رو در برابر مباحث مطرح شده موضع گیری خاصی نمی کند و آمادگی خود را نسبت به چاپ نظرات مختلف در باره ی موضوعات مورد بحث اعلام می کند